

چه جنگی در انتظار ایران است؟

حمید فراهانی- واشینگتن پریزم

روز ۲۸ اوت (۶ شهریور) "سواس" (۱) دانشکده مطالعات آفریقایی و شرقی واقع در لندن گزارشی در حدود هشتاد صفحه منتشر کرد، که در آن احتمال حمله آمریکا و برخی از متحدانش به ایران و عواقب آن را از زوایای مختلف بررسی کرده است. این دانشکده سعی نموده عقاید کلاسیک و کلیشه ای در این مورد را، به چالش بکشد. "دان پلش" مدیر "مرکز مطالعات بین المللی و دیپلماسی سواس" و "مارتین بوچر" از مشاوران بین المللی در مورد سیاست امنیتی، نویسندگان این گزارش هستند.

هدف از این گزارش این است که نشان دهد اگر اختلاف ایران و آمریکا به برخورد نظامی تبدیل شود، حمله به ایران چگونه خواهد بود. این گزارش عواقب این حمله را نیز برای طرفین مورد بررسی قرار داده است. شایان ذکر است که گزارش نامبرده پیش از تحولات اخیر از جمله اعلام توافق آژانس بین المللی انرژی اتمی با ایران، تغییر فرمانده سپاه پاسداران، و انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان، نوشته شده است.

نابودی ده هزار هدف در چند ساعت

در این گزارش می خوانیم که ارتش آمریکا آمادگی کافی برای حمله به ایران را دارد. به طوری که قادر است به دستور جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا، در مدت فقط چند روز تأسیسات هسته ای، زیر بنای اقتصادی، نیروهای نظامی و سیستم دولتی ایران را، نابود کند. اما آمریکا به هیچوجه در مورد آمادگی نیروهای خود، تبلیغ نمی کند.

نویسندگان این گزارش خاطر نشان می کنند:

"حمله به ایران در چند جبهه مختلف صورت می گیرد، ولی تهاجم زمینی در کار نخواهد بود. هواپیماها و موشک های آمریکایی آمادگی لازم را دارند که همین امروز و تنها در ظرف چند ساعت، ده هزار هدف را منهدم کنند."

"این احتمال هم وجود دارد که آمریکا و شاید هم بریتانیا در مناطقی مانند آذربایجان، کردستان، بلوچستان و خوزستان، دست به تجهیز برخی از افراد بزنند. احتمال استفاده از سلاح اتمی علیه ایران، بسیار بعید است. چرا که دست آورد نظامی آن محدود بوده، و موجب تلفات جانی و صدمات محیط زیستی غیر قابل پیش بینی و وسیعی می شود."

در عین حال گرچه اسرائیل راسخ است تا مانع از دستیابی ایران به بمب اتمی شود، ولی حمله به ایران فقط به برنامه هسته ای این کشور ضربه می زند و اسرائیل قادر نخواهد بود از دستیابی ایران به سلاح هسته ای جلوگیری کند. گرچه دولت بریتانیا می گوید که ایران نباید به بمب اتمی دست یابد، اما موضعگیری بریتانیا در این مورد (حمله به ایران) مشخص نیست."

خوشبینان چه می گویند؟

به نوشته این گزارش در حال حاضر برخی بر این باورند که به سبب یک سری دلایل، جنگ امکان پذیر نیست. هشت دلیل اصلی که اینک بر سر زبان ها می باشند، عبارتند از:

۱- ایران مانند لیبی عمل خواهد کرد، و مراکز هسته ای خود را در اختیار سازمان ملل خواهد گذاشت. اما چنین گزینه ای در میان نظام سیاسی ایران طرفدارن زیادی ندارد، و آمریکا تاکنون از دادن تضمین امنیتی به ایران خوداری کرده است.

۲- اتحادیه اروپا موفق خواهد بود با ایران به توافقی دست یابد، که همه طرفین راضی باشند. اما برخی از رهبران آمریکا مانند دیک چینی معاون رئیس جمهور، از مدت ها پیش تلاش های اروپا را بی فایده خوانده اند.

۳- موانع نظامی چنان زیاد است، که آمریکا از حمله نظامی صرف نظر کند؟ طبق راهبرد ملی امنیتی آمریکا، این کشور باید تسلط نظامی کامل داشته باشد. لذا هر کشوری که بخواهد با آمریکا رقابت کند، باید بازداشته شود. توانایی هسته ای ایران مشکلات را برای کسانی که معتقد به حمله نظامی به این کشور هستند، سخت تر می کند. پس حمله پیشگیرانه برای آنها معقولتر به نظر می رسد.

۴- برخی می گویند ارتش آمریکا برای حمله به ایران، نیروی کافی ندارد. چراکه جنگ در عراق برای آمریکا ایجاد مشکل کرده است. ولی نیروی دریایی و هوایی این کشور چندان درگیر مبارزه با شورشیان نبوده اند، و می توانند تمامی قوای خود را بر حمله به ایران متمرکز کنند.

۵- به گفته برخی ایران کشور بزرگی است و احتمال دارد برنامه های نظامی خود در زمینه سلاح های کشتار جمعی را، در جاهای دست نیافتنی ادامه دهد. پس حمله به این کشور چندان سودمند نیست. اما همانگونه که "سیمور هرش" در "نیویورکر" نوشته است، نیروهای ویژه (آمریکا) مدتها در خاک ایران نفوذ کرده و لیستی از اهداف و مناطقی را تهیه کرده اند که باید مورد حمله قرار بگیرند. لذا حمله نظامی و زمینی محدود از مرزهای آذربایجان، افغانستان و عراق، می تواند ضربه شدیدی به دولت ایران بزند و راه اندازی فعالیت های هسته ای را بسیار دشوار کند.

۶- ایران می تواند شیعیان عراق و حزب الله لبنان را، علیه آمریکایی ها و یا اسرائیل بسیج کند. شاید این درست باشد. ولی اگر این کشور به سلاح هسته ای دست یابد، توانش برای چنین کاری بیشتر خواهد بود. در عین حال در زمان جنگ ایران و عراق، همه شیعیان این کشور از ایران پشتیبانی نکردند. فشار کنونی آمریکا به سوریه هم، می تواند برای منزوی کردن حزب الله باشد. در عین حال گرچه ایران قادر خواهد بود دست به حمله موشکی به اسرائیل و یا کشتی های آمریکایی بزند، ولی ارتش آمریکا سالهاست که خود را آماده این کار کرده است.

۷- آیا جنگ با ایران، اقتصاد آمریکا را دچار رکود نخواهد کرد؟ محافظه کاران می گویند که بخشی از بودجه که صرف هزینه های نظامی می شود، فقط نیمی از ۶/۵ درصدی است که در زمان رونالد ریگان در دهه هشتاد میلادی هزینه ارتش این کشور می شد. آنها می افزایند هزینه کردن برای ارتش، (حتی) می تواند موجب رشد اقتصادی نیز بشود. ولی گزارش اقتصادی بانک "ای ان جی"، نظری کاملاً مخالف آنها را ارائه می دهد. بر اساس این گزارش، جنگی دیگر در خلیج فارس نفت را به بشکه ای ۸۵ دلار رسانده و موجب ضعف بیشتر این ارز می شود.

۸- آیا سیاستمداران و مردم آمریکا مانع جنگ نخواهند شد؟ در میان سیاستمداران آمریکا کمتر کسی است که از دولتی متعصب و مذهبی دفاع کند، که دائم از محو اسرائیل سخن می گوید. دو نفر از امیدهای اول حزب دمکرات برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری یعنی هیلاری کلینتون و باراک اوباما نیز گفته اند، اگر لازم باشد به ایران حمله خواهند کرد.

واکنش ایران چه خواهد بود؟

گزارش سواس می نویسد که اگر نیرو و تفنگداران دریایی (آمریکا) یک هدف اساسی داشته باشند، آن هدف حفاظت از تاسیسات نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس و باز نگهداشتن تنگه هرمز است. این گزارش می افزاید نیروی دریایی ایران کوچک و آسیب پذیر است.

ولی ایران با قایق های کوچک و تعداد زیادی مین که در اختیار دارد، می تواند موجب خسارت و تلفات سنگین نیروهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس شود. حملات موشکی ایران از ساحل به سوی کشتی ها نیز، قادر است موجب بحران جدی در این منطقه گردد. در عین حال برخی از تحقیقات نشان می دهد که ایران دارای پانصد موشک دوربرد است، که می تواند اسرائیل و کشورهای عربی را مورد هدف قرار دهد. این امر در نتیجه جنگ، تفاوتی به وجود نخواهد آورد.

ایرانی تقسیم شده

برخی از محافل و مراکز مانند "امریکن اینترپرایز" که نو محافظه کاران در آنجا نفوذ زیادی دارند و در جنگ عراق نیز نقش داشت، در سال های گذشته کنفرانس هایی در مورد ایرانی فدرال برگزار کردند. برخی در این محافل این عقیده را ترویج می کنند، که ایران باید مبدل به یک دولت ناکام نفتی شود که برخی از مناطق آن نا آرام هستند. در واقع ایران مشغول درگیری های درونی خود خواهد شد، و انرژی و توانی برای اعمال نفوذ در خارج از مرزهایش نخواهد داشت.

حمله اتمی و سه میلیون کشته

دان پلش و مارتین بوجر می گویند گرچه احتمال حمله اتمی به ایران بسیار بعید می باشد، ولی این امر در طرح های مربوط به حمله نظامی به این کشور مطرح شده است. آنها می گویند طبق تخمینی که زده می شود حمله به یازده مرکز از بیست و سه نقطه ای است، که گفته می شود ایران در آنجا سلاح های کشتار جمعی تولید می کند. چنین حمله ای می تواند به کشته شدن بیش از دو میلیون و هشتصد هزار نفر بیانجامد.

این مراکز شامل مرکز تحقیقات هسته ای تهران، مرکز موشکی لویزان، مرکز تسلیحاتی اصفهان، راکتور اتمی بوشهر، و مراکز است که گفته می شود در تبریز سلاح های شیمیایی تولید می کنند.

عواقب حمله

این گزارش در پایان عواقب جنگ را به طور مختصر، چنین بررسی می کند:

۱- اگر حمله آمریکا "موفقیت آمیز" باشد، این کشور سلطه نظامی خود را بر منطقه بیشتر کرده و ایران مبدل به یک دولت ناکام نفتی می شود. شاید دولت های منطقه فکر کنند، که از تقسیم شدن ایران به چند منطقه سود خواهند برد. ولی در دراز مدت ناآرامی تمامی حکومت های منطقه را تهدید خواهد کرد، و ثبات از بین خواهد رفت. ترکیه نیز در مقابل کردستان خودمختار ایران و عراق عکس العمل نشان خواهد داد.

همانگونه که صدها هزار کشته عراقی در انتخابات آمریکا و بریتانیا تاثیر زیادی نداشتند، صدها هزار کشته ایرانی نیز احتمالاً تاثیر چندانی بر غرب نخواهد داشت. ولی چنین رخدادی، خشم منطقه در مورد غرب را در این ناحیه شعله ورت می کند.

۲- جنگ مانند آتش می باشد، و آغازش آسانتر از مهار آن است. چراکه این احتمال وجود دارد که مردم ایران از دولتشان حمایت کنند، و جنگ منطقه ای آغاز شود. جنگی که موجب گرانی فزاینده نفت، و رکود اقتصادی جهانی خواهد شد.

این گزارش می نویسد احتمال بروز یک جنگ دامنه دار منطقه ای، باید تمامی طرفین را تشویق کند که برای یک خاورمیانه عاری از سلاح های کشتار جمعی بکوشند.

پا نویس:

www.cisd.soas.ac.uk-۱

حمید فراهانی از نویسندگان واشنگتن پریم است.